

## سناریوهای محتمل توافق هسته‌ای ایران پس از انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا؛ روش سناریونویسی لمپ

احسان کیانی<sup>۱\*</sup>

ابراهیم حاجیانی<sup>۲</sup>

### چکیده

اهمیت نقش آفرینی آمریکا در پرونده هسته‌ای ایران از ابتدا، باعث شد که طرف اصلی در برابر ایران، دولت ایالات متحده باشد. پس از خروج آمریکا از برجام، طرف‌های دیگر نیز تعهدات‌شان را به طور کامل انجام ندادند. بنابراین آینده توافق هسته‌ای ایران به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نوامبر ۲۰۲۰ بستگی دارد. با توجه به تفاوت مواضع ترامپ و بایدن، ارزیابی آینده توافق هسته‌ای ایران ضروری است. هر بازیگری نسبت به این توافق می‌تواند سه نوع کنش شامل پایبندی کامل، کاهش تعهدات یا خروج از توافق را برگزیند. در این مقاله از روش آینده‌پژوهی لمپ، منتسب به دکتر لاکوود استفاده شد. این روش احتمال آینده‌های جایگزین و چگونگی رصد آن‌ها در هر سناریوی احتمالی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. استفاده از نظرات جمعی از نخبگان دارای دانش یا تجربه در حوزه سیاست خارجی نشان داد که فرضیه محتمل در صورت پیروزی ترامپ، تداوم وضعیت کنونی است. در صورت پیروزی بایدن نیز فرض محتمل‌تر، بازگشت محدود و موقت آمریکا به توافق هسته‌ای برای وادارسازی ایران آغاز مذاکرات منطقه‌ای است.

### واژه‌های کلیدی:

ایران، آمریکا، توافق هسته‌ای، روش لمپ، لاکوود.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای مطالعات منطقه (گرایش خاورمیانه) در دانشگاه امام حسین (ع)

<sup>۲</sup> دانشیار دانشگاه شاهد

\* نویسنده مسئول:

## مقدمه

برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام مهم‌ترین رخداد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی دهه اخیر محسوب می‌شود. انعقاد این توافق در ۱۳۹۴ پس از حدود ۱۲ سال فرازونشیب جمهوری اسلامی و دولت‌های غربی بر سر پرونده هسته‌ای ایران، سرانجام به طور موقت به تنش‌ها در این خصوص پایان داد (شیرازی، ۱۳۹۴، ۱۰). تنش‌هایی که صرفاً به حوزه دیپلماسی محدود نمانده بود و به واسطه تحریم‌ها، ابعاد اقتصادی جدی یافته بود و هم‌چنین به جهت اقدام‌های ضدامنیته آمریکا و رژیم صهیونیستی مانند انتقال ویروس استاکس‌نت به هدف اخلال در توسعه برنامه هسته‌ای، نه فقط امنیت نرم بلکه امنیت سخت ایران را نیز هدف قرار داده بود. توافق برجام به معامله‌ای دست یافت که در ازای محدودیت‌های شدید اعمال‌شده بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران اعم از تولید سانتریفیوژهای جدید، غنی‌سازی اورانیوم و تولید آب‌سنگین، تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه دو تحریم مهم فروش نفت و مبادلات بانکی تعلیق و نهایتاً پس از پایان دوره انقضای برجام، ملغی شوند (کمالی‌اردکانی، ۱۳۹۵، ۵۶).

اما ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده که در جریان شعارهای تبلیغاتی انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ وعده خروج از این توافق را داده بود، در اردیبهشت ۱۳۹۷ این وعده را عملی کرد. رویکرد دولت ترامپ به توافق هسته‌ای با ایران بر این مبنا استوار شد که با بزرگ‌نمایی و تهدیدنمایی از این برنامه، به سمت توقف کامل آن و سپس افزایش محدودیت‌ها بر برنامه‌های موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران گام بردارد (درج، ۱۳۹۸، ۷۵). زیرا مسأله عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای از چندان اهمیتی در راهبردهای اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل برخوردار است که سبب اجماع آنان بر قطعنامه‌های تحریمی ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ علیه ایران از ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ شد (خبیری، ۱۳۹۶، ۹۳). این سیاست با همراهی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی نیز همراه بوده است (زمانی، ۱۳۹۸، ۹۵). رژیم اسرائیل پیش‌تر نیز از هیچ تلاشی برای توقف برنامه هسته‌ای ایران فروگذار نکرد و حتی تهدید علنی به حمله نظامی را نیز در دستور کار قرار داد. علاوه بر اینکه از منظر کارکردی نیز ظهور یک قدرت هسته‌ای در غرب آسیا، برخلاف بازدارندگی هسته‌ای این رژیم است (انوشه، ۱۳۹۸، ۸).

خروج آمریکا از برجام، سرآغاز سیاست «فشار حداکثری» بود که با هدف تغییر رفتار در برنامه هسته‌ای، منطقه‌ای و توان‌مندی موشکی، تحریم‌های اولیه و ثانویه‌ای را علیه ایران اعمال کرد. کنگره آمریکا که پیش از خروج این دولت از برجام نیز به سمت متراکم‌سازی تحریم‌های

غیرهسته‌ای حرکت کرده بود (دلورپوراقدم، ۱۳۹۷، ۱۲۳)، با همراهی با کابینه ترامپ، تحریم‌های هسته‌ای را نیز بار دیگر احیا نمود.

گستره آسیب‌های فشارهای ایالات متحده در ابعاد اقتصادی از نیمه دوم ۱۳۹۷ و تعمیم آن به ابعاد نظامی و امنیتی از نیمه دوم ۱۳۹۸ که در ترور سردار سلیمانی مشهود شده، اهمیت پژوهش در خصوص آینده‌پژوهی وضعیت پرونده هسته‌ای معطوف به برجام را برای امنیت ملی کشور نشان می‌دهد. زیرا توافق هسته‌ای به مثابه نقطه عطفی است که حفظ و حیات عملی آن می‌تواند به عنوان آغازگر یک فرآیند راهبردی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز دیگر اختلافات میان ایران و غرب قلمداد شود و از سوی دیگر نابودی آن می‌تواند بار دیگر فشارهای سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی بر ایران را به میزانی بی‌سابقه افزایش دهد. بنابراین می‌توان ضرورت این مقاله را از منظر پیش‌بینی سناریوهای محتمل در وضعیت پرونده هسته‌ای ایران که می‌تواند زمینه‌ساز افزایش یا کاهش فشارها بر کشور شود، درک کرد. مسأله این پژوهش آن است که ایران و آمریکا به عنوان دو بازیگر اصلی پرونده هسته‌ای طی سال‌های اخیر، پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده و استقرار دولت جدید آن کشور، چه کنش‌هایی در خصوص برجام اتخاذ خواهند کرد. در شرایطی که ماه‌ها تا استقرار دولت آتی آمریکا فرصت باقی است، این پژوهش با ماهیتی کاربردی و روش‌مند بر مبنای پیش‌بینی سناریوهای احتمالی، می‌تواند کارشناسان، تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران ایرانی را نسبت به تهدیدات احتمالی هشیارتر سازد. نوآوری این پژوهش دو بُعد دارد. از بُعد محتوایی، ناظر به وضعیت برجام متناظر با نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا تقریر می‌شود و از بُعد روشی، به تولید ادبیات آینده‌پژوهی در حوزه امنیت ملی با تکنیک لمپ یا لاکوود می‌انجامد که در ادبیات فارسی آینده‌پژوهی، تاکنون به آن پرداخته نشده است.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کارکرد دانش آینده‌پژوهی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل برای پژوهش‌گران ایرانی تا حدی تازگی دارد. ولی در سطح جهانی، کارکردی دیرینه دارد که فایده‌مندی آن برای فعالان حوزه سیاست، آشکار شده است. به بیان دیگر، آینده‌پژوهی به مثابه دانش اقدام، نقشی جدی در تبدیل نظریات و فرضیات دانشجویان به تجویزات عملیاتی یا حداقل پیش‌بینی‌هایی از روندهای جاری ایفا می‌کند (نظری، ۱۳۹۳، ۹). پژوهش‌گران با بهره‌مندی از آینده‌پژوهی می‌توانند به سناریوهایی دست یابند که از انسجام درونی برخوردار باشند (تاجیک، ۱۳۹۷، ۲۴).

در این میان، استفاده از نظریات روابط بین‌الملل هم در رویکرد اکتشافی برای احصای آینده‌های محتمل و هم در رویکرد هنجاری برای تجویز آینده‌های مطلوب، کاربرد دارد (موسوی‌نیا، ۱۳۹۸، ۱۵۹). در مرحله اول این نظریه‌ها به تحلیل‌گر یاری می‌رساند تا با ذهنیتی دقیق‌تر، تداوم روندهای کنونی را پیش‌بینی نماید و در مرحله دوم نیز با واقع‌بینی و بر مبنای اولویت‌های منافع ملی بتواند سناریوهای مطلوب برای کشور را ارائه کند. بر این مبنای پژوهش حاضر از ایده تغییر موازنه قوا توسط بازیگر عاقل بهره برده می‌شود. چگونگی حفظ یا تغییر موازنه قدرت از مهم‌ترین دغدغه‌های نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل بوده است. میرشایمر بیان می‌دارد که اصلت کنش در سیستم آنارشیک بین‌المللی برای مبنای خودیاری است و بسیاری از اتحادها بنیان مستحکمی ندارند (Mearsheimer, 1994, 75). طبق واقع‌گرایی، قدرت به معنای توان تغییر رفتار سایرین و اثرگذاری بر کنش‌های آنان، ابزار دستیابی به منافع ملی است و تغییر موازنه قدرت، مسیر افزایش دستاورد نسبی در نسبت با رقیبان است (قوام، ۱۳۹۱، ۲۹۹). مورگنتا، اندیشمند شهیر مکتب واقع‌گرایی معتقد است موازنه زمانی برقرار می‌شود که دولت‌ها حفظ وضع موجود را مفیدتر از تغییر آن قلمداد کنند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰، ۱۳۵). در غیر این صورت انواع قدرت سخت، نیمه‌سخت و نرم و ابزارهای دفاعی، اقتصادی، دیپلماتیک و رسانه‌ای در این منازعه به کار می‌آیند تا دولت‌ها موازنه قوا را به نفع خویش تغییر دهند. در وضعیت آنارشی نظام بین‌الملل، معمای امنیتی مبنی بر اصل خودیاری برای حفظ بقا بدر شرایط بی‌اعتمادی متقابل، بنیان نواقع‌گرایی را برمی‌سازد (سیمبر، ۱۳۹۵، ۸۹). استفان والت، دانشمند مشهور مکتب نواقع‌گرایی با توسعه نظریه واقع‌گرایی در خصوص موازنه نیروها، از تعبیر «موازنه تهدید» برای تفسیر کارکردگرایانه توازن‌بخشی بهره جست که طی آن قدرت‌ها از تهدید منافع طرف رقیب برای تغییر رفتارش بهره می‌برند (Walt, 1987, 17). به بیان دیگر، بازیگران برای حفظ بازدارندگی در روندی کم‌هزینه‌تر و برای پرهیز از وقوع نبردهای سخت و سنگین، از کنش‌هایی استفاده می‌کنند که با تهدید طرف مقابل نسبت به منافع کنونی‌اش، وی را از تداوم رویکرد تهاجمی بازدارد. این منازعه تا نقطه‌ای ادامه می‌یابد که به نوعی تعادل دست یابد و دولت خواستار تغییر موازنه به نتیجه می‌رسد که منافع مرحله کنونی بر زیان‌های آن غلبه یافته و تداوم موازنه تهدید را ضروری نمی‌بیند.

این مسأله در تجربه رویارویی ایران و آمریکا در برجام مشهود است. ابتدا لازم است از رویکردهای فنی که برجام را بر مبنای محدودیت‌های پادمان‌ها و پیمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارزیابی می‌کند (خلیلی، ۱۳۹۵، ۱۳۳) و رویکرد حقوقی که آن را در سطحی

تاکتیکی صرفاً بر مبنای حل مناقشه پرونده هسته‌ای در شورای امنیت می‌نگرد (جلالی، ۱۳۹۶، ۱۰۰۱)، صرف‌نظر کنیم. در رویکرد سیاسی به برجام فراتر از دو رویکرد تقلیل‌گرای پیشین، این توافق از منظر راهبردی در راستای حل‌وفصل عموم اختلافات ایران و غرب، از جمله مسائل منطقه‌ای اهمیت می‌یابد. به‌ویژه که آن را نه یک «معاهده» الزام‌آور برای طرف‌ها بلکه یک «توافق» داوطلبانه قلمداد می‌کند که هر گاه اراده کنند، می‌توانند از آن خارج شوند (ارغوانی، ۱۳۹۶، ۳۲).

در چارچوب نگرش راهبردی، موازنه تهدید در فرآیند پرونده هسته‌ای منتج به برجام معنا می‌یابد. در شرایطی که ایران درصدد حفظ و تداوم برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای‌اش بود، آمریکا با تداوم تحریم‌های اقتصادی با اجماع شورای امنیت، سعی کرد ضمن کاهش درآمدهای ایران، جمهوری اسلامی را وادار به رعایت هنجارهای مطلوب غرب در زمینه برنامه هسته‌ای‌اش نماید (قنبرلو، ۱۳۹۷، ۸۲). در سوی دیگر گزارش‌های جامعه اطلاعاتی آمریکا در دولت اوباما نشان داد که ایران علی‌رغم عدم اراده بر ساخت تسلیحات هسته‌ای، زمان‌گریز یا فاصله‌تئوریک دست‌یابی به توان‌مندی ساخت آن را کاهش داده است (جمشیدی، ۱۳۹۴، ۷۴). مسأله‌ای که برخلاف مطلوبیت‌های غرب در خصوص تحدید توان‌مندی‌های هسته‌ای ایران و همچنین خطری برای تحریک دیگر قدرت‌های منطقه‌ای غرب آسیا به سوی آغاز و توسعه برنامه هسته‌ای بود که «معماری عدم اشاعه» را با تهدید روبرو می‌ساخت. بنابراین در نقطه‌ای به توافق رسیدند که تحریم‌های ایران در ازای پذیرش محدودیت‌ها و نظارت‌های شدید، مرتفع شوند.

این پژوهش بر این مبنای نظری درصدد درک سناریوهای محتمل کنش‌های ایران و آمریکا در چارچوب موازنه تهدید می‌باشد. سناریوهایی که احصای معتبر و دقیق آن‌ها، با توجه به تجربه فشارهای پیشین و همه‌جانبه آمریکا و بدعهدی‌های اروپا، می‌تواند در تجویز راهکارهای مناسب برای حفظ منافع ملی کشور و ارتقای مؤلفه‌های امنیت ملی راهگشا باشد. پیش‌تر مقالات پژوهشی متعددی در راستای آینده‌پژوهی پرونده هسته‌ای ایران به نگارش درآمده که مشخصات آن‌ها بدین شرح است.

امیدی (۱۳۹۱) در «تحلیلی از تقابل ایران و آمریکا در برنامه هسته‌ای در چارچوب نظریه بازی‌ها» با استفاده از نوع بازی همکارانه یا غیرهمکارانه برای تحلیل رفتار دو بازیگر نهایی: ایران و آمریکا به این نتیجه رسید که حالت موازنه، عدم همکاری است که تنها با میانجی‌گری طرف ثالث به حالت همکاری رفع تحریم در ازای محدودیت می‌انجامد. محمد بصیری در

«تحلیل مسأله اتمی ایران و غرب در چارچوب نظریه بازی‌ها» (۱۳۹۳) با استفاده از نظریه بازی در تحلیل دو بازیگر نهایی ایران و کشورهای غربی گروه ۱+۵ به این نتیجه دست یافت که طرفین بازی همکارانه‌ای اتخاذ می‌کنند که به کاهش تحریم در ازای کاهش غنی‌سازی می‌انجامد. هادی نوربخش نیز در «به‌کارگیری نظریه بازی‌ها در تحلیل منازعه ایران و آمریکا با محوریت برنامه هسته‌ای ایران» با بهره‌گیری از نظریه بازی در تحلیل سیر طی‌شده پرونده هسته‌ای از ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۴ بیان می‌دارد که جمهوری خواهان با اعمال تحریم‌های یک‌جانبه، ترور و خراب‌کاری درصدد فشار بر ایران خواهد آمد و ایران نیز برنامه هسته‌ای‌اش را توسعه خواهد داد. مجید بهستانی در «آینده پرونده هسته‌ای ایران، تحلیل رمزگان عملیاتی ایران و گروه ۱+۵» (۱۳۹۴) با استفاده از روش تحلیل رمزگان بر مواضع اعلامی رهبران تیم مذاکره‌کننده دو بازیگر نهایی ایران و کشورهای ۱+۵ به این رسید که ایران از تجربه پرونده هسته‌ای آموخته که بی‌اعتمادی به غرب را تداوم دهد و طرف مقابل نیازمند نمایش حُسن نیست است. امین رضوی‌نژاد در «بررسی استراتژی‌های ایران و آمریکا در پسابرجام طبق نظریه بازی‌ها» (۱۳۹۵) با تعادل نش از نظریه بازی‌ها برای تبیین رفتار آتی دو بازیگر نهایی برجام: ایران و ایالات متحده آمریکا پیش‌بینی کرد که دو کشور به برجام متعهد مانده و دیپلماسی بُرد - بُرد را برای تداوم منافع‌شان و جلوگیری از نبردهای پُرهزینه ادامه می‌دهند. و نهایتاً مهدی عوض‌پور در «بحران‌سازی و یارگیری: راهبرد رژیم صهیونیستی» (۱۳۹۶) با روش توصیفی تحلیلی بر مبنای روند پژوهی مواضع و اقدام‌های اسرائیل گفت اسرائیل پس از برجام به تهدیدنمایی از برنامه هسته‌ای نزد دولت‌های عربی می‌پردازد.

از منظر محتوایی، مزیت این پژوهش نسبت به موارد صورت‌گرفته توسط دیگر پژوهش‌گران فارسی‌زبان، تلاش برای احصای سناریوهای محتمل پس از انتخابات ریاست‌جمهوری نوامبر ۲۰۲۰ ایالات متحده می‌باشد. از نظر روشی نیز عمده پژوهش‌های پیشین با استفاده از نظریه بازی‌ها به انجام رسیده در حالی که مزیت خاص پژوهش حاضر، استفاده از روش آینده‌پژوهی لمپ یا لاکوود است که به آشنایی مخاطبان با این روش و ترویج آن در ادبیات آینده‌پژوهی کشور خواهد انجامید. در این راستا قابل ذکر است که پژوهش‌های انگلیسی‌زبانی درباره پیش‌بینی سناریوهای محتمل برای برنامه هسته‌ای ایران به روش لمپ انجام پذیرفته است. کوین داب در «پیش‌بینی واکنش‌های احتمالی به دست‌یابی ایران قدرت هسته‌ای» (۲۰۱۰) با این روش به این نتیجه رسید در صورتی که ایران به بازرسان آژانس اجازه بازرسی دهد، آمریکا همچنان تحریم‌ها را تا توقف کامل برنامه هسته‌ای ایران پی خواهد گرفت و در غیر این صورت

فشارها را به سمتی سوق خواهد داد که اجماعی بین‌المللی علیه ایران در شورای امنیت شکل بگیرد، چنان‌که درباره لیبی صورت گرفت. جیمز کاتانیا نیز در «پیش‌نمایش پاسخ آتی آمریکا و اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران» (۲۰۱۱) بیان می‌کند که اگر ایران به تعهدات ان‌پی‌تی و بازرسی‌های آژانس پایبند بماند، آمریکا ضمن تخفیف تحریم‌ها، از مجاری دیپلماتیک درصدد اقناع ایران به محدودیت‌های بیشتر برخوردار آمد ولی جامعه اطلاعاتی اسرائیل درصدد اقناع آمریکا به فشار بیشتر بر ایران خواهد بود. اما در سناریویی که ایران به برنامه هسته‌ای‌اش بی‌وقفه ادامه دهد، آمریکا نیز تحریم‌ها را افزایش داده و اسرائیل نیز با عملیات مخفی مانند ترور دانشمندان یا حمله سایبری درصدد توقف برنامه ایران خواهد بود.

### روش‌شناسی پژوهش

روش آینده‌پژوهی لمپ<sup>۱</sup> توسط دکتر جاناتان اس لاکوود در دهه ۱۹۹۰ میلادی طرح‌ریزی شد. وی که متولد ۱۹۵۵ در فلوریداست، تحصیلات کارشناسی‌اش را در ۱۹۷۷ در رشته تاریخ طی کرد و پس از آن در مقاطع ارشد و دکتری رشته روابط بین‌الملل با گرایش روسیه در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۸۰ در دانشگاه میامی فارغ‌التحصیل شد. او مطالعاتش در زمینه تهدیدات شوروی را در دانشگاه اطلاعات نظامی در رشته اطلاعات راهبردی ادامه داد (Lockwood, 2010, 1). مطالعاتی که نتیجه‌اش در قالب پایان‌نامه‌اش در کتاب «دیدگاه شوروی در قبال دکترین راهبردی ایالات متحده» در ۱۹۸۳ منتشر شد (لاکوود، ۱۳۹۴، ۱۸). وی از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۵ در دانشگاه اطلاعات نظامی به تدریس در رشته اطلاعات در حوزه روسیه و اوراسیا پرداخت و پس از آن تا زمان بازنشستگی از وزارت دفاع در سال ۲۰۰۷، سردبیری هفته‌نامه آموزشی تجزیه و تحلیل اطلاعات وابسته به اداره امنیت ملی را بر عهده داشته است (Lockwood, 2010, 3). او تکمیل روش لمپ را در اثر «دیدگاه روسیه نسبت به راهبرد ایالات متحده، گذشته و آینده آن» در ۱۹۹۳ ادامه داده و آن را به عنوان روش اصلی پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری دانشجویانش تعیین نموده و توسعه داد (لاکوود، ۱۳۹۴، ۲۱).

روش لمپ برای بررسی احتمالات آینده‌های جایگزین نسبت به یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش سناریوهای اصلی و همچنین حالات محتمل در هر سناریو به‌طور پیش‌فرض مطرح می‌شود و این تکنیک به ارزیابی احتمال هر یک از حالات در هر یک از سناریوها می‌پردازد تا محتمل‌ترین حالات و همچنین امکان تغییر بین آینده‌های جایگزین را

<sup>۱</sup>. Lockwood Analytical Method Prediction (LAMP)

تعیین کند (Bulls, 2012, 12). در معرفی این روش محدودیتی جهت بررسی سوژه مد نظر وجود ندارد، ولی عمده کاربرد این روش با توجه به مطالعات دکتر لاکوود و تدریس وی در حوزه سیاست خارجی، در زمینه روابط بین الملل بوده است. در زمینه موضوعات بین المللی، یک سوژه اصلی تعیین می شود که معمولاً مرتبط با یک قدرت بین المللی است، طرح شده و سپس احتمالات مرتبط با اقدامات دیگر بازیگران ملی در نسبت به آن وضعیت، در روش لمپ بررسی می شود. گاهی اوقات سوژه اصلی یکی از بازیگران اصلی است که مزیت در آن است که می توان یک بازیگر اصلی را خارج از بازیگران دیگر مد نظر قرار داد و بدین طریق، محاسبه احتمالات، تسهیل می گردد (Catiana, 2011, 32).

این روش شامل ۱۰ مرحله است (لاکوود، ۱۳۹۴، ۵۴-۲۸):

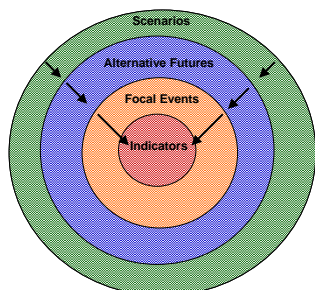
- ۱- **تعیین موضوع:** مسأله مورد نظر نمی بایست بسیار گسترده و مبهم باشد زیرا تعداد آینده های جایگزین را به صورت انفجاری افزایش خواهد داد.
- ۲- **شناسایی بازیگران ملی:** بازیگرانی که به صورت «مستقیم» بر مسأله مؤثر بوده و توان تغییر دارند، تعیین می شوند. معمولاً بهتر است تعداد بازیگران از ۵ عدد فراتر نرود تا بتوان آینده های جایگزین را به نحو مطلوبی مدیریت نمود.
- ۳- **مطالعه بازیگر:** در خصوص وضعیت بازیگر مورد نظر نسبت به سوژه مورد بررسی مطالعاتی انجام می شود. به طور مثال عمده آثار پژوهشی دانشجویان دانشگاه اطلاعات نظامی تحت نظر لاکوود، وضعیت سیاسی، اقتصادی و نظامی بازیگران ملی و بین المللی را در نسبت با سوژه اصلی بررسی کرده اند. تحلیل گر در این مرحله بایست نسبت به بروز خطای «تصورپردازی آینه ای» نشود، یعنی با جایگزینی منطقی خود با منطقی بازیگر، تحلیل نادرستی از او ارائه دهد.
- ۴- **تعیین مسیرهای احتمالی هر بازیگر:** پس از مطالعه دیدگاه های بازیگر نسبت به سوژه، راهکارهای ممکن بازیگران در خصوص آن مسأله مورد بررسی قرار می گیرند. با فرمول  $Z = X^Y$  تعداد آینده های محتمل برای هر سناریو محاسبه می شود که در آن X تعداد راهکارهای هر بازیگر و Y تعداد بازیگران است. اگر تعداد راهکارهای همه بازیگران، برابر باشد، این فرمول مناسب است در غیر این صورت می بایست از ترکیب تعداد راهکارهای همه بازیگران بهره بُرد.
- ۵- **تعیین سناریوهای اصلی:** سناریوهای اصلی سوژه مورد نظر تعیین می گردد.



۶- مقایسه جفتی آینده‌های جایگزین: در این مرحله آینده‌های جایگزین در هر سناریو به طور جفتی با هم مقایسه می‌شوند که طی آن هر آینده‌ای که محتمل‌تر از دیگری است، یک امتیاز می‌گیرد. تعداد مقایسه‌های انجام‌شده در این مرحله از فرمول  $m = \frac{n(n-1)}{2}$  تبعیت می‌کند که در آن  $m$  تعداد مقایسه‌ها و  $n$  تعداد آینده‌های جایگزین است. سپس آینده‌های جایگزین بر مبنای امتیازات کسب‌شده، مرتب می‌شود.

۷- تحلیل آینده‌های جایگزین: با فرض احتمال وقوع آینده‌های جایگزین، مواردی که بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند و احتمال بیشتری دارند، مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۸- تعیین رویدادهای اصلی مرتبط با وقوع هر آینده جایگزین: رویدادهای اصلی، حوادث بزرگی هستند که پیش‌زمینه بروز یک آینده جایگزین می‌باشند. به نحوی که اگر مسیری از حال تا آینده مذکور ترسیم شود، این رویدادها نقاط عطفی هستند که مسیر تحقق آن آینده را تعیین می‌نمایند. هر چه آینده‌ای محتمل‌تر باشد، تحققش منوط به رویدادهای اصلی کمتری است و هر چه عجیب‌تر بنماید، نیازمند رویدادهای مهم‌تری است.



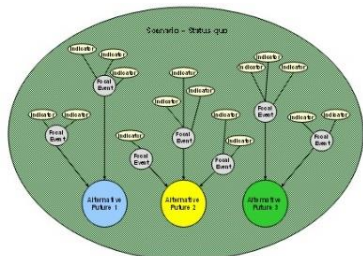
۹- تعیین شاخص‌های هشداردهی رویدادهای اصلی: در این مرحله می‌بایست شاخص‌هایی برای هر رویداد اصلی تعیین شود که وقوع آن شاخص‌ها، نشان‌گر اتفاق آن رویداد باشد.

شکل (۱) زنجیره ارتباط شاخص، رویداد و

آینده با سناریو

۱۰- بررسی احتمال انتقال بین آینده‌های

جایگزین: آخرین مرحله لمپ، امکان انتقال از آینده‌ای به آینده دیگر به واسطه اراده بازیگران آزاد بررسی می‌شود.



شکل (۱) امکان انتقال آینده‌ها

روش لمپ نسبت به روش‌هایی مانند دلفی و تحلیل سلسله‌مراتبی سیستماتیک‌تر است. روش سلسله‌مراتبی در پی اختصاص ارزشی به یک گزینه مطلوب است و دلفی درصدد ایجاد اجماع بر یک گزینه برمی‌آید، ولی لمپ بر پیش‌بینی احتمال نسبی آینده‌های ممکن تأکید می‌ورزد. نقاط ضعف این روش آن است که با توجه به اینکه به یک آینده مطلق دست نمی‌یابد، برای سوژه‌های کمی چندان مناسب به نظر نمی‌رسد و از سوی دیگر اجازه ابهام‌اندیشی نمی‌دهد و تحلیل‌گر در مقایسه گزینه‌ها حتماً می‌بایست یکی را بر دیگری ترجیح دهد (Kevin, 2010, 25-27). این مسأله ممکن است سبب گردد ارائه ارزیابی تحلیل‌گر به سیاست‌گذار، با یکی از سه حالت خطای زیر روبرو شود و از حالت «انسان شایسته» که طی آن تحلیل‌گر به درستی تحلیل نموده و نظرش نیز طی فرآیند تصمیم‌سازی نظام مورد تأیید سیاست‌گذار قرار می‌گیرد؛ دور شود (لاکوود، ۱۳۹۴، ۵۲):

- ۱- زوزه گرگ: تحلیل‌گر اشتباه می‌کند و سیاست‌گذار نیز از نتیجه اشتباه وی پیروی می‌نماید که تداوم آن، اعتبار تحلیل‌گر را زایل می‌سازد.
- ۲- توفیق اجباری: تحلیل‌گر اشتباه می‌کند ولی سیاست‌گذار به دلیل حمایت از سیاست انتخابی خودش، آن را نادیده و بر حسب تصادف راه درستی را در پیش می‌گیرد.
- ۳- شوک راهبردی: تحلیل‌گر به درستی به نتیجه می‌رسد ولی سیاست‌گذار ارزیابی وی را رد می‌نماید.

به همین دلایل گرچه روش تحلیل لمپ به تنهایی توسط یک تحلیل‌گر نیز قابل استفاده است ولی بهره‌مندی از نظرات خبرگی، روایی آن را افزایش می‌دهد و حداقل از خطای تحلیل‌گر جلوگیری می‌کند. در این پژوهش با ارائه پرسش‌نامه‌ای جهت تعیین ترتیب احتمال آینده‌های جایگزین در هر سناریو، از نظرات نخبگانی با مشخصات زیر استفاده شده است. آن‌ها به حالات محتمل‌تر، امتیازات بیشتری می‌دهند و میانگین نظرات در تعیین احتمالات در جدول (۳) نمایش داده شده است.

جدول (۱) مشخصات نخبگان نظردهنده در پژوهش

مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	محل تحصیل
دانشجوی دکترا	مطالعات خاورمیانه	دانشگاه امام حسین (ع)
دانشجوی دکترا	مطالعات خاورمیانه	دانشگاه امام حسین (ع)
دانشجوی دکترا	مطالعات خاورمیانه	دانشگاه امام حسین (ع)
دانشجوی دکترا	مسائل ایران	دانشگاه تهران
دانشجوی دکترا	اندیشه سیاسی	دانشگاه تهران

مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	محل تحصیل
فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد	علوم سیاسی	دانشگاه تهران
فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد	علوم سیاسی	دانشگاه تهران
فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد	روابط بین‌الملل	دانشکده وزارت خارجه

این نخبگان یا به جهت موقعیت شغلی خود مانند فعالیت در وزارت امور خارجه، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری از تجربه‌ای در حوزه سیاست تحلیل و ارزیابی مسائل سیاست خارجی جمهوری اسلامی برخوردار هستند و یا بر اساس سابقه فعالیت‌های پژوهشی از دانش و تخصص کافی در این خصوص بهره‌مند هستند.

### تجزیه و تحلیل یافته‌ها

#### گام اول: تعیین موضوع

مسئله این پژوهش آن است که توافق برجام پس از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا چه سرنوشتی می‌یابد. این انتخابات ۱۳ آبان ۱۳۹۹ برگزار می‌شود و یکی از دو نامزد دموکرات، جو بایدن معاون رییس‌جمهور پیشین باراک اوباما؛ و یا جمهوری‌خواه، دونالد ترامپ، رییس‌جمهور کنونی؛ در اول بهمن ۱۳۹۹ راهی کاخ سفید خواهند شد. این مسئله با توجه به تنش‌های کنونی میان ایران و آمریکا بر سر حیات و کارکرد این توافق، اهمیت جدی در دیگر حوزه‌های اختلافی مانند منازعه آمریکا و رژیم صهیونیستی با جبهه مقاومت در غرب آسیا خواهد داشت. علاوه بر اینکه مسئله برجام از منظر پایان یا آغاز دوباره پرونده‌ای از ایران در شورای امنیت اهمیت می‌یابد.

#### گام دوم: تعیین بازیگران

توافق برجام میان ۷ طرف امضا شد: ایران، ۵ عضو دائم شورای امنیت به علاوه آلمان و همچنین اتحادیه اروپا. با این حال در این پژوهش ایران و آمریکا به عنوان دو بازیگر اصلی معین می‌شوند. زیرا عملاً فشارهای آمریکا به کاهش تعهدات دیگر طرف‌ها نیز منجر شده است. نشانه روشن آن را در فقدان کارآیی ابزار اینستکس در کاهش فشار تحریم‌ها (ایرنا، ۱۳۹۸) و همچنین کاهش خرید نفت ایران از سوی چین (تابناک، ۱۳۹۹) می‌توان مشاهده کرد. اینکه آمریکا علی‌رغم میل همه طرف‌ها، از برجام خارج شده و به تعهداتش پایان داد و ایران نیز

برخلاف نظر کشورهای غربی، سیاست کاهش تعهدات را در پیش گرفت، نشانه دیگری بر این امر است.

اتحادیه اروپا و به طور خاص تروئیکای بریتانیا، فرانسه و آلمان در جریان مذاکرات هسته‌ای به جهت روابط فرآتلانتیکی، در جزئیات توافق درصدد موازنه‌گرایی میان ایران و آمریکا و در کلیات توافق، هم‌سو با آمریکا بود (صباغیان، ۱۳۹۶، ۱۰۴). این کشورها پس از برجام نیز از آن به مثابه دستاورد یک دیپلماسی چندجانبه که مورد تأیید شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفته، حمایت کرده و آن را بنیانی برای تعدیل رفتار ایران کردند (قامت، ۱۳۹۵، ۱۸۵). حتی تمایل یافتند که برجام به مثابه الگویی برای حل و فصل اختلافات درباره دیگر بحران‌های مشابه مانند پرونده هسته‌ای کره شمالی نیز تکرار شود (حبیبی، ۱۳۹۸، ۱۵۷). ولی در جریان خروج آمریکا از برجام، عملاً با فشارهای آمریکا همراهی کردند.

درباره روسیه و چین نیز علاوه بر اینکه با توسعه برنامه هسته‌ای ایران و تشدید رقابت هسته‌ای میان قدرت‌های منطقه‌ای غرب آسیا مخالف هستند (آیینه‌وند، ۱۳۹۵، ۲۵)؛ چین در شرایطی که آمریکا با یک‌جانبه‌گرایی به تنش‌زایی با این دولت در عرصه امنیتی در حوزه تایوان، هنگ‌کنگ، دریای چین جنوبی؛ در عرصه رسانه‌ای در خصوص کرونا و در عرصه اقتصادی درباره توافق گمرکی روی آورده، تمایلی به همراهی با آمریکا ندارد. روسیه نیز به دلیل اتحاد تاکتیکی با ایران در بحران سوریه و با هدف حفظ منافع سیاسی و اقتصادی‌اش در منطقه در همراهی با ایران، رویکردی عمل‌گرایانه و محتاطانه در حمایت از برجام دارد (کریمی، ۱۳۹۵، ۶۵). علاوه بر این‌ها، هر دو به عنوان اعضای دائم شورای امنیت به دلیل حفظ اعتبارشان، نسبت به تداوم برجام به عنوان ضمیمه قطعنامه ۲۲۳۱ حدی از مسئولیت‌پذیری قائل هستند. بنابراین طبعاً از این ۷ بازیگر، ۲ بازیگر نهایی همان ایران و آمریکا هستند.

### گام سوم: مطالعه بازیگران

وضعیت سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران و آمریکا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد: از منظر سیاسی ایران به دلیل پایبندی به برجام موقعیت دیپلماتیک نسبتاً مناسبی دارد. گرچه اختلاف‌نظرها با اروپا در خصوص نفوذ منطقه‌ای در غرب آسیا، توسعه توان‌مندی موشکی و اتهام‌های به‌اصطلاح حقوق‌بشری همچنان پابرجاست. ولی تداوم تعهدات برجامی پس از خروج آمریکا از برجام، از وجهه دیپلماتیک ایران، چهره‌ای متعهدتر به موازین بین‌المللی به نمایش گذاشته است و وجهه ایالات متحده گرچه ضعیف‌تر شده و آن را در عدم تصویب قطعنامه

تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران در شورای امنیت سازمان ملل می‌توان دید(تسنیم، ۱۳۹۹). ولی هژمونی ایالات متحده هم‌چنان فراتر از آن است که دیگر دولت‌ها به‌ویژه بازیگران برجای عملاً در کنار ایران بایستند. در عین حال که صدور قطعنامه منفی شورای حکام آژانس علیه ایران را می‌توان دلیلی بر این امر دید(بی‌بی‌سی، ۱۳۹۹).

از منظر **اقتصادی** ایران پس از آغاز دوباره تحریم‌های آمریکا وضعیت نامطلوبی یافته است. حجم نفت استخراج‌شده ایران از نزدیک به ۴ میلیون بشکه در روز به کمی بیش از ۲ میلیون بشکه کاهش یافته که در این بین حجم نفت صادراتی نیز از حدود ۲٫۵ میلیون بشکه در روز به کمتر از ۱ میلیون بشکه رسیده است(BBC, 2019). در ۱۳۹۸ نسبت به ۱۳۹۶، میانگین تورم بیش از ۳۰٪ افزایش و رشد اقتصادی بیش از ۱۱٪ کاهش یافته است(تیین، ۱۳۹۹). نوسان‌های شدید نرخ ارز و بی‌ثباتی در بازارهای سرمایه‌گذاری از جمله تبعات این شرایط بوده است. این وضعیت به نارضایتی‌های عمیق اجتماعی انجامیده که شورش گسترده آبان ۱۳۹۸ در پی گرانی قیمت بنزین شدیدترین نمونه آن بوده است. اقتصاد آمریکا نیز که با عبور از بحران مالی ۲۰۰۸، رشد بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده بود، در مواجهه با بحران کرونا بار دیگر افول کرد. چنان‌که بانک جهانی رشد اقتصادی ۲۰۲۰ آمریکا را منفی ۶٪ پیش‌بینی کرد. ولی در عین حال اذعان نمود که با چشم‌انداز پایان بحران کرونا، بار دیگر در ۲۰۲۱ رشدی قابل قبول و حداقل مثبت ۴٪ را تجربه می‌کند که نشان از استحکام بنیان‌های اقتصادی آمریکا دارد(ایرنا، ۱۳۹۹).

از منظر **نظامی** ایران با توانمندی موشکی و حضور جبهه مقاومت توانسته بازدارندگی بالایی کسب کند(Jahanbin, 2020, 39) که در اسقاط پهپاد آمریکایی نمود داشته است. در عین حال تشتت بیشتر در ائتلاف بیت شیعی در عراق پس از نخست‌وزیری الکاظمی در این کشور(مهر، ۱۳۹۹) نیز نشان داد ترور سردار سلیمانی و ابومهدی‌المهندس توسط آمریکا، تبعاتی در جهت تضعیف محور مقاومت، حداقل در عراق داشته است. در شرایط فعلی نه ایران و نه آمریکا خواستار نبرد نظامی نیستند و نحوه واکنش ایران به ترور سردار سلیمانی نیز این امر را نشان داد.

### گام چهارم: مسیرهای بازیگران

ایران و آمریکا هر یک نسبت به برجام می‌توانند سه موضع اتخاذ کنند:

## جدول (۲) راهکارهای بازیگران

خروج از برجام	کاهش تعهدات	پایبندی به برجام	بازیگر
تمامی محدودیت‌ها از جمله نظارت‌های فراپادمانی آژانس را پایان می‌بخشد	تعهدات مانند سطح و حجم غنی‌سازی و فعالیت‌های را کاهش می‌دهد	به طور کامل محدودیت‌ها را اعمال نماید	ایران
اعمال تمامی تحریم‌های پیش از برجام	از تعلیق برخی تحریم‌ها اجتناب می‌ورزد	تحریم‌های مصرح در برجام معلق و در تاریخ مقرر، ملغی شوند	آمریکا

بنابراین متعاقب فرمول  $3^2 = 9$  آینده جایگزین برای هر سناریو وجود دارد.

## گام پنجم: تعیین سناریوهای اصلی

دو سناریوی این موضوع، پیروزی یکی از دو نامزد جمهوری خواه یا دموکرات است:

**تداوم فشار:** ترامپ علی‌رغم پیش‌بینی‌ها و با وجود افول اقتصاد آمریکا و بحران کرونا، با اختلافی اندک به پیروزی می‌رسد. وی با عبور از انتخابات و بی‌نیازی از دستاوردسازی، ضرورت کمتری برای توافق با ایران حس می‌کند. فشارهای اقتصادی گرچه به حد بسیار زیادی رسیده، ولی کابینه ترامپ با همراهی کنگره که آن نیز بیشتر در اختیار جمهوری خواهان قرار گرفته، تحریم‌های هسته‌ای پیشین را تحت موضوعات دیگری مانند اتهام‌های به‌اصطلاح تروریسم و نقض حقوق بشری و با مصادیق جدید به‌روز کرده و تشدید می‌کند. هم‌چنین تنش‌های نظامی علیه جبهه مقاومت و حتی نیروی قدس سپاه در منطقه با حملات پهپادی سنتکام افزایش می‌یابد. ایران نیز بر مبنای ایده موازنه تهدید، برنامه هسته‌ای‌اش را بیش‌ازپیش توسعه داده و احتمال خروج از برجام افزایش می‌یابد.

**احیای مذاکره:** در رقابتی نزدیک و شکننده، بایدن با توجه به گسترش آرای منفی ترامپ و جذب آرای بخش‌هایی از جمهوری خواهان مخالف او، به پیروزی می‌رسد. وی فرمان اجرایی مبتنی بر لغو مسافرت ایرانیان به آمریکا و لغو تحریم وزیر امور خارجه را صادر می‌کند. تهران با استقبال از تغییر رویه واشنگتن، اعلام می‌دارد که در صورت اراده بر احیای برجام، گام‌های کاهش تعهدات را بازمی‌گرداند. مذاکرات در سطح کارشناسان وزارت خارجه طرفین با حضور دیگر دولت‌های عضو برجام آغاز می‌شود و مشوق‌هایی ارائه می‌شود. مثلاً معافیت محدود خرید نفت از ایران، برقرار می‌گردد. در عین حال اعلام می‌کند که برجام آغاز مذاکرات برای رسیدن

به توافق بزرگ‌تری است که تهدیدهای منطقه‌ای و موشکی ایران را نیز در بر بگیرد. در ایران اختلاف نظر برای تداوم مذاکره یا تحدید آن به برنامه هسته‌ای، افزایش می‌یابد.

### گام ششم: مقایسه آینده‌های جایگزین

متناسب با هر سناریو، ۹ آینده جایگزین وجود دارد که احتمال وقوع‌شان بر حسب منطق درونی سناریوها مورد ارزیابی نخبگانی قرار گرفته است. با توجه به ایده موازنه تهدید بر مبنای واقع‌گرایی که طی آن طرفین، از ابزارهای موجود برای بیشینه‌کردن منافع و رفع تهدیدهای حریف بهره می‌برند، و بر اساس تجربه رفتار آمریکا و اهمیت تحدید برنامه هسته‌ای ایران در مطلوبیت‌های معماری امنیتی غرب، ۳ آینده از روال مقایسه‌ها حذف می‌شوند: آمریکا به برجام پایبند باشد ولی ایران از آن خارج شده یا تعهداتش را کاهش داده باشد و اینکه آمریکا تعهدات را کاهش دهد ولی ایران از برجام خارج شده باشد. همچنین در سوی دیگر ایران نیز به دلیل مراعات موازنه تهدید و افزایش فشار بر آمریکا در جهت اخلال در معماری امنیتی مطلوب غرب، این حالت که آمریکا از برجام خارج شده ولی ایران به طور کامل به آن پایبند باشد را کنار می‌گذارد.

جدول (۳) امتیازات آینده‌های جایگزین بر مبنای نظرات نخبگان

سناریوی احیای مذاکره			سناریوی تداوم فشار		
ایران	امتیاز	ایران	ایران	امتیاز	ایران
کاهش تعهدات	۴	پایبند برجام	خروج از برجام	کاهش تعهدات	۴
پایبند برجام	۳	پایبند برجام	خروج از برجام	خروج از برجام	۳
کاهش تعهدات	۲	کاهش تعهدات	کاهش تعهدات	کاهش تعهدات	۲
خروج از برجام	۱	کاهش تعهدات	کاهش تعهدات	پایبند برجام	۱
خروج از برجام	۰	خروج از برجام	پایبند برجام	پایبند برجام	۰

در این مرحله متعاقب فرمول  $\frac{5*(5-1)}{2} = 10$  مقایسه در هر سناریو انجام می‌شود. هر حالت در مقایسه دوجه‌دو و جفتی با حالت دیگر، اگر محتمل‌تر باشد یک امتیاز دریافت می‌کند و مجموع امتیازات، نشان‌گر حالت محتمل‌تر است.

### گام هفتم: تحلیل آینده‌های جایگزین

در هر سناریو، از ۵ آینده جایگزین، ۳ موردی که بیشترین امتیاز و در نتیجه بیشترین احتمال را یافته‌اند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

## در سناریوی تداوم فشار

۱. **کاهش تعهدات - خروج از برجام:** به معنای تداوم وضعیت کنونی است. ترامپ پس از پیروزی هم‌چنان به هیچ‌یک از تعهدات آمریکا در برجام عمل نمی‌کند و در عین حال با فشارهایی به‌ویژه تحریم‌های ثانویه مانع پایبندی دیگر طرف‌ها به تعهدات‌شان نسبت به ایران نیز می‌شود. ایران تمامی محدودیت‌های فنی برجام را لغو کرده و به سوی افزایش حجم و غنای اورانیوم غنی‌شده حرکت می‌کند. ولی برای حفظ مسیر دیپلماسی و به جهت جلوگیری از ارسال پرونده ایران از شورای حکام آژانس به شورای امنیت، رسماً از برجام خارج نمی‌شود.
۲. **خروج از برجام - خروج از برجام:** آمریکا گرچه در فعال‌سازی مکانیسم ماشه به طور رسمی شکست خورده ولی با ادعای بازگشت تحریم‌های بین‌المللی، بلوکی از کشورهای همراه در شورای امنیت را شکل داده و مانع اعاده تمامی دستاوردهای اقتصادی و امنیتی برجام می‌شود. چنان‌که با تحریم‌های ثانویه حتی از فروش تسلیحات از سوی روسیه و چین به ایران نیز جلوگیری به عمل می‌آورد. از سوی دیگر ایران که تمامی تعهدات فنی توافق را کنار گذاشته، برای افزایش فشار امنیتی به غرب و وادارسازی اروپا و آمریکا به بازگشت به تعهدات‌شان، نظارت‌های برجامی و اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را نیز ملغی می‌سازد و رسماً اعلام می‌دارد تا بازگشت طرف‌های دیگر به تعهدات‌شان، به هیچ‌یک از مفاد برجام عمل نمی‌کند.
۳. **کاهش تعهدات - کاهش تعهدات:** ترامپ از سوی هسته مرکزی دوحزبی و کنگره آمریکا برای جلوگیری از توسعه برنامه هسته‌ای ایران تحت فشار قرار گرفته و از سوی دیگر هیئت حاکمه ایالات متحده نیز تمایلی به توقف برنامه هسته‌ای با حمله نظامی ندارد. به‌خصوص که با آغاز غنی‌سازی در فردو، امکان این امر نیز تقریباً منتفی می‌شود. تصمیم‌سازان سیاست خارجی آمریکا تصمیم به ارائه مشوق‌هایی اندک به ایران می‌دهند تا از افزایش حرکت فعالیت‌های هسته‌ای جلوگیری کنند و مذاکراتی درباره غروب‌های برجام آغاز شود. در این راستا اجازه فروش نفت ایران در ازای دریافت فهرستی از کالاهای غذایی، دارویی، تجهیزات پزشکی و موارد مورد نیاز صنایع غیرنظامی داده می‌شود و کمیسیون در شورای امنیت سازمان ملل برای نظارت بر این امر مشخص می‌گردد. ایران نیز برخی تعهدات برجامی مانند کاهش حجم و غنای



اورانیوم، توقف فعالیت‌ها در فردو و تحدید فعالیت‌های تحقیق و توسعه را در دستور کار قرار می‌دهد.

### در سناریوی احیای برجام

۱. **پایبند برجام - کاهش تعهدات:** بایدن پس از پیروزی اعلام می‌کند که رسماً به برجام بازمی‌گردد. با این حال از اجرای تمامی تعهدات آمریکا اجتناب می‌کند و صرفاً مشوق‌هایی برای ترغیب ایران به مذاکره در خصوص بندهای غروب برجام و همچنین فعالیت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی، ارائه می‌شود. ارائه معافیت تحریمی به ۸ خریدار بزرگ نفت ایران، فعال‌سازی کامل اینستکس و تعلیق موقت سوئیفت از این جمله‌اند. در مقابل ایران که تمایل به کاهش تحریم‌ها و رفع فشارهای اقتصادی دارد و با پیروزی بایدن، توانسته نرخ ارز و تورم را تا حدی مهار نماید، به منظور اعتمادسازی به طور کامل به تعهدات برجامی‌اش بازمی‌گردد تا بتواند برجام را هم‌چنان زنده نگه دارد ولی درباره مذاکرات منطقه‌ای، مخالفت می‌کند و آن را موکول به شرایط دیگری می‌نماید.
۲. **پایبند برجام - پایبند برجام:** دموکرات‌ها که علاوه بر کاخ سفید، اکثریت سنا را نیز کسب کرده‌اند، برجام را به قانون تبدیل می‌کنند. ایران به طور کامل به تعهداتش بازمی‌گردد و به طور محدود درباره نبردهای یمن و سوریه در چارچوب دولت‌های عضو برجام به مذاکره می‌پردازد. دولت بایدن اجرای تمامی تعهدات را از سر می‌گیرد و تحریم‌های اعمال‌شده در دوران ترامپ را تعلیق یا ملغی می‌سازد.
۳. **کاهش تعهدات - کاهش تعهدات:** آمریکا به طور محدود برخی تعهدات برجامی را از سر می‌گیرد تا ایران به مذاکره در خصوص برجام، توان موشکی و برنامه‌های منطقه‌ای‌اش اقناع شود. آمریکا تحریم وزیر امور خارجه را لغو کرده و تحریم فروش نفت را به طور محدود و تا سقفی معین و تحریم دریافت ارز را از مبادی خاصی به طور موقت، تعلیق می‌سازد. ایران فعالیت در فردو و افزایش سطح غنی‌سازی به بالای ۲۰٪ را متوقف می‌سازد. ولی هم‌چنان فعالیت‌های تحقیق و توسعه‌ای و افزایش حجم اورانیوم غنی‌شده در نطنز را ادامه می‌دهد. مذاکرات در چارچوب برجام برای بازگشت کامل طرفین به تعهدات‌شان ادامه می‌یابد و مذاکرات منطقه‌ای در هاله‌ای از ابهام فرو می‌رود.

## گام هشتم: تعیین رویدادهای اصلی

جدول زیر، مهم‌ترین رویدادهای اصلی است که مسیر تحقق هر آینده جایگزین را هموار می‌سازد.

جدول (۴) رویدادهای اصلی مرتبط با هر آینده جایگزین

رویدادهای اصلی	آینده جایگزین		سناریو
	آمریکا	ایران	
تهدید آژانس به ارسال پرونده ایران به شورای امنیت	خروج از برجام	کاهش تعهدات	تداوم فشار
افزایش حملات آمریکا و صهیونیسم به جبهه مقاومت افزایش فشار مخالفان برجام در ایران بر خروج از توافق	خروج از برجام	خروج از برجام	
آمدگی ایران و آمریکا جهت مذاکره محدود برجامی کاهش تنش‌های منطقه‌ای میان ایران و آمریکا	کاهش تعهدات	کاهش تعهدات	
تشدید فشارهای اقتصادی بر ایران	کاهش تعهدات	پایبند برجام	احیای مذاکره
بازگشت کامل آمریکا به برجام آغاز مذاکرات منطقه‌ای میان ایران و غرب	پایبند برجام	پایبند برجام	
تداوم تنش‌های منطقه‌ای میان ایران و آمریکا تداوم غنی‌سازی فراتر از برجام توسط ایران	کاهش تعهدات	کاهش تعهدات	

## گام نهم: تعیین شاخص‌های اصلی

برای هر یک از رویدادهای اصلی، شاخص‌هایی تعیین می‌شود که رخداد آن‌ها به منزله افزایش احتمال وقوع آن رویداد و تغییر مسیر به سمت یکی از آینده‌های جایگزین خواهد بود. رصد این شاخص‌ها برای ارزیابی احتمال رخداد آینده‌های جایگزین اهمیت دارد. جدول زیر اهم این شاخص‌ها را نمایش می‌دهد، گرچه محتملاً می‌توان موارد دیگری را نیز بدان‌ها افزود.

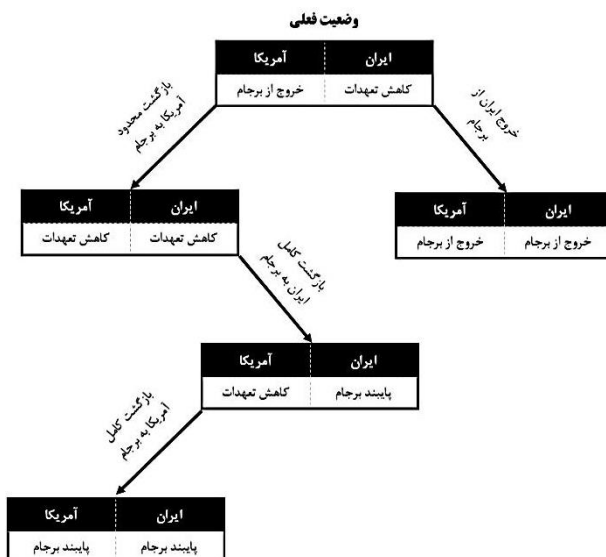
جدول (۵) شاخص‌های مرتبط با رویدادهای اصلی

رویداد	شاخص ۱	شاخص ۲	شاخص ۳
تهدید ایران به ارسال پرونده ایران به شورای امنیت	مخالفت ایران با درخواست‌های بازرسی آژانس	صدور قطعنامه شورای حکام علیه ایران با رأی ممتنع روسیه و چین	تهدید بریتانیا به فعال‌سازی مکانیسم ماشه در برجام
افزایش حملات آمریکا و صهیونیسم به جبهه مقاومت	افزایش حملات پهبادی به گروه‌های حشدشعبی در عراق	تشدید حملات هوایی رژیم صهیونیستی به سوریه	درگیری محدود رژیم صهیونیستی و حزب‌الله در جنوب لبنان
افزایش فشار مخالفان برجام در ایران بر خروج	استیضاح وزیر امور خارجه توسط نمایندگان	کاهش دسترسی بازرسان آژانس و توقف	افزایش غنای اورانیوم غنی‌شده به بالای ۲۰

رویداد	شاخص ۱	شاخص ۲	شاخص ۳
از توافق	مجلس	اجرای پروتکل الحاقی	درصد
آمادگی ایران و آمریکا جهت مذاکره محدود برجامی	کسب اکثریت سنای آمریکا توسط حزب دموکرات	حذف مایک پمپئو از وزارت خارجه آمریکا و انتصاب رکس تیلرسون	تداوم میانجی‌گری دیگر شرکای برجام میان ایران و آمریکا
کاهش تنش‌های منطقه‌ای میان ایران و آمریکا	توقف حملات به نیروهای نظامی آمریکایی در عراق از سوی جبهه مقاومت	کاهش مانورها و گشت‌زنی شناورهای ایران در خلیج فارس	حذف نتانیاهو از نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی
تشدید فشارهای اقتصادی بر ایران	تشدید سقوط بازار بورس و اوراق بهادار	افزایش فزاینده نرخ ارز و تورم	گسترش اعتراض‌های معیشتی در خیابان‌ها
بازگشت کامل آمریکا به برجام	لغو تحریم‌های اولیه و تعلیق تحریم‌های ثانویه	تصویب پروتکل الحاقی در مجلس ایران	تصویب برجام در کنگره آمریکا
آغاز مذاکرات منطقه‌ای میان ایران و غرب	حضور آمریکا و اتحادیه اروپا در مذاکرات آستانه	آتش‌بس در یمن و ارسال کمک‌های بشردوستانه	تثبیت دولت در لبنان با مشارکت ایران و آمریکا
تداوم تنش‌های منطقه‌ای میان ایران و آمریکا	ادامه حملات به کاروان‌ها و پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق	آزمایش موشک‌های بالستیک میان‌برد و دوربرد توسط ایران	افزایش میزان نظامیان و ناوهای آمریکایی در خلیج فارس
تداوم غنی‌سازی فراتر از برجام توسط ایران	فعال‌سازی تأسیسات غنی‌سازی در فردو	افزایش تولید آب‌سنگین در اراک	تزریق سانتریفیوژهای نسل جدید در نطنز

### گام دهم: انتقال بین آینده‌های جایگزین

آخرین مرحله، بررسی چگونگی انتقال از یک آینده جایگزین به موردی دیگر است. بدین ترتیب که چه کنش‌هایی از سوی بازیگران رخ دهد تا یک حالت به حالتی دیگر تغییر یابد. شکل زیر، چگونگی امکان تغییر آینده‌های جایگزین مطرح‌شده در این سناریوها بر مبنای این تغییرات را نشان می‌دهد.



شکل (۲) ترسیم مسیره‌های انتقال بین آینده‌های جایگزین

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در نوامبر ۲۰۲۰ به دلیل تمایز جدی نگرش دو رقیب به برجام و به‌طور کلی نوع مواجهه با جمهوری اسلامی، اهمیت زیادی در امنیت ملی ایران می‌یابد. به همین دلیل تصمیم‌گیران این حوزه می‌بایست راهبردی تدوین و اتخاذ نمایند که هر دو بُعد امنیت سخت و نرم در حوزه منافع ملی را تأمین نماید. بر مبنای نتایج آینده‌پژوهی توافق هسته‌ای با روش لمپ در این مقاله، پیروزی ترامپ به معنای تداوم فشارهای یک‌جانبه آمریکا خواهد بود که البته علی‌رغم مخالفت‌های لفظی دیگر کشورها، به احتمال فراوان همکاری عملی‌شان را در پی خواهد داشت. ولی پیروزی بایدن مسیر دشوارتری پیش‌روی تصمیم‌سازان سیاست خارجی ایران قرار خواهد داد زیرا مانند رویکرد دولت اوباما می‌تواند فرآیند اجماع‌سازی علیه برنامه هسته‌ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل را تکرار کند. در این صورت، علاوه بر فشارهای اقتصادی، انزوای سیاسی بیشتری حتی از سوی دولت‌های نزدیک به ایران به جمهوری اسلامی تحمیل خواهد شد.

بر مبنای تئوری «موازنه تهدید» در مکتب نوواقع‌گرایی، هر یک از این دو حزب در صورت پیروزی درصدد تهدید منافع ایران به هدف وادارسازی‌اش به مذاکره مطلوب از منظر هنجارهای غرب برخوانند آمد. تفاوت در نوع و مصادیق تهدید است که از دو رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه یا

چندجانبه‌گرایانه برمی‌آید. در رویکرد دولت ترامپ که اهمیت کمتری برای جلب همراهی متحدان آمریکا و دیگر قدرت‌های بزرگ مانند چین و روسیه وجود دارد، تهدید می‌تواند حتی تا ابعاد نظامی و امنیتی نیز تسری یابد ولی در رویکرد بایدن، تهدیدات در مسیری قرار می‌گیرد که بیشترین همراهی را از جانب اتحادیه اروپا و تا حدی چین و روسیه در پی داشته باشد.

به‌عنوان پیشنهاداتی در حوزه سیاست‌گذاری، همان‌گونه که از هر گونه مذاکره در خصوص توان موشکی و دفاعی اجتناب می‌شود، می‌بایست نوع موضع‌گیری سیاست خارجی ایران نسبت به آمریکا در صورت پیروزی هر یک از دو نامزد، به‌گونه‌ای باشد که هم در سطح جهانی ایران را از اتهام مذاکره‌گریزی مبرا سازد و هم در سطح داخلی، افکار عمومی کشور و به‌ویژه افشار طبقات متوسط و ضعیف را اقناع نماید. در صورت پیروزی دوباره ترامپ، طبعاً ایران چاره‌ای جز تداوم راهبرد «مقاومت حداکثری» در برابر «فشار حداکثری» نخواهد داشت. زیرا افزایش سطح و حجم غنی‌سازی اورانیوم در کنار تقویت فعالیت‌های گروه‌های جبهه مقاومت در غرب آسیا و به‌ویژه در عراق می‌تواند به‌طور متقابل منافع آمریکا را مورد تهدید قرار دهد و موازنه تهدید را نسبت به قبل، بیشتر برقرار سازد.

ولی در صورت پیروزی بایدن، با توجه به همراهی اتحادیه اروپا و حتی چین و روسیه با رویکرد اجماعی دموکرات‌ها، لازم است از تمرکز بر رویکرد سلبی و صرف منع مذاکره در خصوص برنامه منطقه‌ای و توان موشکی اجتناب شده و رویکردی ایجابی در دستور کار قرار گیرد. بدین ترتیب که احتمالاً دولت دموکرات بایدن مشوق‌های اندکی مانند برخی معافیت‌های تحریمی را به ایران عرضه می‌کند تا به طور کامل به برجام بازگردد و سپس تعلیق دیگر تحریم‌ها به آغاز مذاکره درباره بندهای غروب برجام، مواضع منطقه‌ای ایران در غرب آسیا و همچنین برنامه موشکی منوط شود. در این راستا ایران باید بسته پیشنهادی مطلوب در هر حوزه را به مذاکره‌کنندگان غربی ارائه دهد.

برای مثال در حوزه تمدید بندهای غروب برجام بایستی هر محدودیتی در قبال امتیازات اقتصادی معین و بیشتری، مورد پذیرش قرار بگیرد. در خصوص برنامه منطقه‌ای باید مسأله خروج نظامیان آمریکایی از منطقه، احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت همه کشورها از جمله فلسطین مورد بحث قرار بگیرد و درباره توان موشکی نیز هر گونه محدودیتی در بُرد و توان موشکی ایران، منوط به یک توافق جامع منطقه‌ای خواهد بود که در آن می‌توان پیمان‌های عدم تجاوز، منع توسعه برنامه موشکی تمامی حکومت‌ها و خلع تسلیحات هسته‌ای از کلیه منطقه غرب آسیا به‌ویژه برنامه‌های هسته‌ای عربستان و امارات و همچنین زرادخانه هسته‌ای رژیم

صهیونیستی به عنوان پیشنهاد مطرح شود. گرچه این پیشنهادات به احتمال قوی مورد پذیرش طرف مقابل قرار نخواهد گرفت ولی ابتکار عمل را در دست دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار خواهد داد.

به عنوان پیشنهاد پژوهشی، دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای با کاربردی بیشتر و بهتر روش لمپ در خصوص آینده پژوهی مسائل سیاست خارجی جمهوری اسلامی، با بهره‌مندی از نظرات نخبگان امر می‌توانند ادبیات این روش را در زبان فارسی گسترش دهند و مقالات کاربردی و مؤثری در این حوزه تولید نمایند.

### منابع

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز. و حسنوند، مظفر. (۱۳۹۶). برجام به مثابه توافق بین‌المللی: کاوشی در ماهیت و ضمانت اجرا، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۱۲(۴): ۷-۳۸.
- امیری، مصطفی. و حبیبی، همایون. (۱۳۹۸). امکان‌سنجی قابلیت برجام به عنوان الگوی حل‌وفصل اختلافات هسته‌ای، فصل‌نامه علوم سیاسی، ۱۵(۴۷): ۱۴۵-۱۶۷.
- بصیری، محمدعلی. و آیینوند، حسن. (۱۳۹۵). مقایسه رویکرد روسیه و چین و آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران، پژوهش‌نامه سیاست بین‌الملل، ۸(۱۵): ۲۵-۵۵.
- تاجیک، هادی، کیانی، احسان، ساسانیان، سعید. و روحی، مهدی، (۱۳۹۷). سناریونگاری به روش GBN، مطالعه موردی: اقدام نظامی عربستان علیه ایران، فصل‌نامه آینده پژوهی دفاعی، ۳(۱۰): ۲۱-۵۱.
- جمشیدی، محمد. (۱۳۹۴). تأثیر فرآیند توافق هسته‌ای بر ادراک آمریکا از عقلانیت راهبردی ایران، فصل‌نامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۴(۱۵): ۶۹-۹۴.
- خاتمی، مهدی. و انوشه، ابراهیم. (۱۳۹۸). تحلیل منازعه ایران و رژیم صهیونیستی در زمینه برنامه هسته‌ای ایران با استفاده از نظریه بازی‌ها، فصل‌نامه آینده پژوهی دفاعی، ۴(۱۳): ۷-۳۹.
- خبیری، کابک. و محمدی، منوچهر. (۱۳۹۶). تأثیر برجام بر جایگاه ایران در معادلات غرب آسیا، فصل‌نامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۰(۳۷): ۸۳-۱۰۴.
- خلیلی، رضا. (۱۳۹۵). پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام با رویکردی استراتژیک، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، ۱۹(۷۲): ۱۳۱-۱۵۸.
- درج، حمید. و بصیری، محمدعلی. (۱۳۹۸). تجزیه و تحلیل رویکرد دولت ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه آفاق امنیت، ۱۲(۴۳): ۷۵-۱۱۳.

- دلاورپوراقدم، مصطفی. و دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۷). برآورد سیاست‌های تحریمی کنگره در دوران پسابرجام، *فصل‌نامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۷(۵۹): ۱۲۱-۱۳۹.
- زمانی، محسن. و نیاکویی، سیدامیر. (۱۳۹۸). واکاوی عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده از برجام، *فصل‌نامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۲(۴۵): ۸۵-۱۱۰.
- سیمبر، رضا، رحمدل، رضا. و فلاح، مهسا. (۱۳۹۵). معمای امنیتی پرونده هسته‌ای ایران از منظر نواقع‌گرایی، *فصل‌نامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۹(۳۶): ۸۷-۱۰۶.
- شیرازی، حبیب‌الله. (۱۳۹۴). کالبدشناسی مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱، *پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل*، ۸(۳۰): ۹-۵۶.
- صباغیان، علی. و احمدیگی، مهدی. (۱۳۹۶). روابط فرآتلانتیکی در مذاکرات هسته‌ای، *فصل‌نامه روابط خارجی*، ۹(۲): ۱۰۳-۱۳۴.
- قامت، جعفر. و پورقوشچی، محمدرضا. (۱۳۹۵). پیامدهای توافق هسته‌ای بر روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا، *فصل‌نامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۹(۳۵): ۱۶۵-۱۸۸.
- قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۷). مبانی نظری تحریم‌های مربوط به برنامه هسته‌ای ایران: مقایسه دیپلماسی دولت‌های ترامپ و اوباما، *فصل‌نامه مطالعات راهبردی*، ۲۱(۲): ۷۵-۱۰۰.
- کرمی، جهانگیر. و کرامتی‌نیا، رقیه. (۱۳۹۵). سیاست خارجی روسیه و پرونده هسته‌ای ایران از تحریم تا برجام، *فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۲(۹۵): ۶۵-۹۷.
- کمالی‌اردکانی، مسعود. (۱۳۹۵). تأثیرات برجام بر تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران، *فصل‌نامه مطالعات راهبردی*، ۱۹(۷۲): ۵۳-۸۲.
- لاکوود، جانانان. (۱۳۹۴). روش تحلیلی لاکوود در پیش‌بینی اطلاعات، ترجمه معاونت پژوهشی، تهران: انتشارات دانشکده اطلاعات.
- مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۰). تحلیل سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی، *فصل‌نامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱(۱): ۱۳۱-۱۵۸.
- موسوی‌نیا، سید رضا. (۱۳۹۸). آینده پژوهی و کاربرست نظریه‌های روابط بین‌الملل، *فصل‌نامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۱(۵۹): ۱۵۶-۱۷۷.
- نظری، علی‌اشرف.، محروق، فاطمه. و عباسی‌خوشکار، امیر. (۱۳۹۳). ارزیابی میزان کاربرست روش سناریونویسی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران، *فصل‌نامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۶(۳۹): ۹-۴۲.

- Bulls, E. (2010). A Nuclear-Armed Iran: The Middle East Nuclear Proliferation Enigma, *American Military University*. A LAMP Predictive Analysis Research Paper submitted as partial fulfillment of the requirements for Certificate Analytics.

- Catania, J. (2011). Iran's Nuclear Program: A Presaging The Coming U.S. and Israeli Response, *American Military University*. A LAMP Predictive Analysis Research Paper submitted as partial fulfillment of the requirements for Certificate Analytics.
- Dobbs, K. (2010). Predictive Analysis of Potential Reactions To Iranian Attainment of Nuclear Power Status; *American Military University*. A LAMP Predictive Analysis Research Paper submitted as partial fulfillment of the requirements for Certificate Analytics.
- Jahanbin, N. (2020). Reviewing Iran's Proxies by Region: A Look Toward the Middle East, South Asia, and Africa, *combating terrorist center*, Vol 13, Issue 5.
- Lockwood, J. (2010). Curriculum Vitae.
- Mearshimer, J. (1994). The False Promise in International Institution, *international security*, 19 (31).
- Walt, S. (1987). The Origins of Alliances, *Cornell University Press*.

### منابع اینترنتی

- ایرنا، ۱۸ آذر ۱۳۹۸، ظریف: از اروپایی‌ها ناراضی هستیم:  
[www.isna.ir/news/98091812901](http://www.isna.ir/news/98091812901)
- ایرنا، ۲۰ خرداد ۱۳۹۹، اقتصاد آمریکا در بدترین وضعیت:  
[www.isna.ir/news/9903201225](http://www.isna.ir/news/9903201225)
- اندیشکده راهبردی تبیین، ۲ تیر ۱۳۹۹، فشار حداکثری؛ آمریکا در بن‌بست:  
[www.tabyincenter.ir/37474/](http://www.tabyincenter.ir/37474/)
- بی‌بی‌سی، ۳۰ خرداد ۱۳۹۹، شورای حکام آژانس انرژی اتمی علیه ایران قطعنامه صادر کرد:  
[www.bbc.com/persian/iran-53105585](http://www.bbc.com/persian/iran-53105585)
- تابناک، ۶ تیر ۱۳۹۹، کاهش ۷۶ درصدی خرید نفت چین از ایران:  
[www.tabnak.ir/fa/news/986792](http://www.tabnak.ir/fa/news/986792)
- تسنیم، ۲۵ مرداد ۱۳۹۹، اظهارات اعضای دائم شورای امنیت درباره دلیل عدم موافقت با قطعنامه ضد ایرانی:  
[www.tasnimnews.com/fa/news/1399/05/25/2327509](http://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/05/25/2327509)
- مهر، ۱۱ تیر ۱۳۹۹، ائتلاف‌های جدید در عراق:  
[ww.mehrnews.com/news/4963611](http://ww.mehrnews.com/news/4963611)
- BBC, 9 September 2019, Six charts that show how hard US sanctions have hit Iran:  
[www.bbc.com/news/world-middle-east-48119109/](http://www.bbc.com/news/world-middle-east-48119109/)